



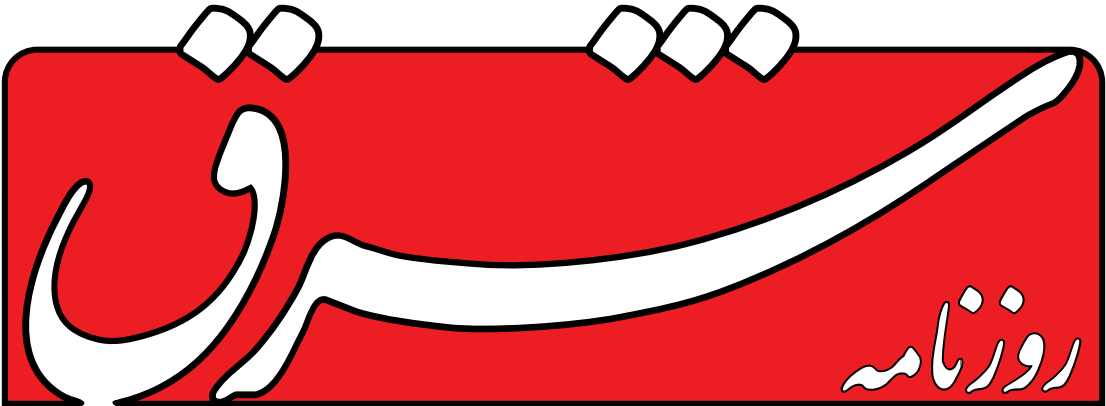
مدیرمسئول روزنامه «شرق»:

تعطیلی روزنامه‌ها به نفع دولت نیست

گروه سیاست: در پی تصمیم ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی بر توقف انتشار رسانه‌های چاپی تا پایان محدودیت‌های کرونایی، مدیرمسئول روزنامه «شرق» با انتقاد از این تصمیم، گفت: «کسانی که در عرصه رسانه کار می‌کنند نوعاً همین یک کار را بلد هستند. با حذف روزنامه‌ها بخش قابل توجهی از...»

صفحه ۲

سه‌شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۹۹ - ۶ شعبان ۱۴۴۱ - ۳۱ مارس ۲۰۲۰



نامه‌الیاس حضرتی به حسن روحانی

شرایط انتشار روزنامه‌ها را فراهم کنید

گروه سیاست: الیاس حضرتی، نماینده مردم تهران در مجلس و مدیرمسئول روزنامه اعتماد با انتشار نامه‌ای خطاب به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری خواستار تسهیل انتشار روزنامه‌ها شد. این نامه در واکنش به مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا نوشته شده که انتشار روزنامه‌ها و نشریات چاپی را به پایان زمان...

صفحه ۳



سال هفدهم - شماره ۲۶۸۲ - ۴ صفحه

حرف اول

مواجهه با خطر بیماری همه‌گیر در قلاب سینما

حسین ناصری - روان‌شناس پیشگیری



گرچه فیلم «سرایت» (contagion) که به «شیوع» هم ترجمه شده، از لحاظ سینمایی جزء فیلم‌های شاخص استیون سودربرگ نیست، ولی نکاتی در این فیلم وجود دارد که اتفاق آن را به یکی از فیلم‌های مهم هشداردهنده در تاریخ سینما تبدیل می‌کند. جالب است بدانید بعد از ساخت این فیلم، مجله نیوساینتیست از این فیلم به‌عنوان نمونه‌ای بی‌نظیر یاد کرد که به خوبی از یافته‌های علمی استفاده کرده است. در این فیلم حداقل شش نکته وجود دارد که دقت‌کردن به آنها شاید بتواند ما را به‌لحاظ فردی و اجتماعی در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا یاری کند. اولین نکته فیلم جمله کلیدی پوستر آن است: «هیچ چیز مانند ترس مسری نیست». با وجود آنکه ویروس کرونا بسیاری از مرزها را درنوردیده است؛ اما ترس ناشی از آن، واکنش‌های مردم را به‌مراتب به یکدیگر شبیه‌تر کرده است. ما معمولاً وقتی از موضوعی می‌ترسیم که دربارۀ آن آگاهی نداشته باشیم؛ برای مثال تاریکی به این علت ترس‌برانگیز است که مشخص نیست چه خطراتی ما را تهدید می‌کند. ناشناخته‌بودن ویروس کرونا از سوی دانشمندان و ناتوانی در کنترل آن، ترس را به یکی از نشانه‌های بالینی کرونا تبدیل کرده است؛ همان‌طور که در فیلم «سرایت» نیز به‌خوبی نشان داده شده است که چگونه ترس، عملکرد افراد را مختل می‌کند؛ در نتیجه کام اول در مواجهه با کووید ۱۹ این است که بر ترس ناشی از آن غلبه یابیم. مدیریت هیجان‌های منفی به ما یاد می‌دهد مادامی که هیجان خود را نشناسیم، نمی‌توانیم بر آن فائق آییم. در کنار آگاهی از ترس، دانستن این موضوع که در تاریخ، بشر بسیاری از مخاطرات ریز و درشت را از سر گذرانده است، مانع از این می‌شود که ترس به اضطراب بدل شود؛ اضطرابی که فقط موجب رنج مضاعف افراد می‌شود. نکته دوم در فیلم، به‌تصویرکشیدن بی‌نظمی و فروپاشی اجتماعی است. خوشبختانه برخلاف آنچه در فیلم شاهد بودیم، غیر از هجوم به فروشگاه‌ها در برخی از کشورهای نایاب‌شدن ماسک و ضدعفونی‌کننده‌ها در بسیاری از کشورها، بی‌نظمی گسترده‌ای در هیچ کشوری اتفاق نیفتاد؛ اما در صورتی که بشر وخامت‌افزای موضوع افزوده شود و وضعیت وخیم به درازا بکشد، احتمال این بی‌نظمی گسترده، صفر نیست. وقتی پیشگیری به‌عنوان استراتژی اصلی سیاست‌گذاری در دستور کار قرار نداشته باشد، بدیهی است که در مواجهه با موقعیت‌های غیرمترقبه و مهلک، بی‌نظمی اجتماعی حاکم خواهد شد. کارکرد اصلی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه این است که با تکنیک‌های مداخلات آینده‌پژوهی، علاوه بر پرداخت جدی به زیرساخت‌ها، آموزش‌های پیشگیرانه نیز جزء مواد اصلی دوره‌های آموزش عمومی قرار گرفته باشد؛ برای نمونه، با وجود آنکه کشور ما روی کمربند زلزله قرار دارد، نبود دیدگاه پیشگیرانه در بعد زیرساختی موجب شده است در حوضه کلان، اجازه ساخت‌وساز روی مسطح از گسل‌های فعال استان‌ها صادر شود. ضمن اینکه در کلان‌شهری مثل تهران که پیش‌بینی می‌شود قسمت اعظم تلفات در جنوب شهر رخ دهد، تاکنون اقدامات جامعی برای تقویت ساختمان‌های فرسوده آن انجام نشده است. در بعد آموزش‌های پیشگیرانه نیز شاهد این نیتسیم که دست‌کم فارغ‌التحصیلان دوره آموزش عمومی (از پیش‌دبستانی تا دبلم) مواجهه مؤثر با زلزله را به‌گونه‌ای فراگرفته باشند که همه آنان خانواده‌های خود را ملزم کنند ضمن تدارک کوله‌پشتی زلزله که در آن حداقل امکانات برای زندگی در شرایط بحرانی در نظر گرفته شده باشد، با برگزاری مانورهای خانوادگی، آمادگی اعضای خانواده برای مواجهه مؤثر با زلزله تقویت شود. مثال زلزله را به‌راحتی می‌توان درباره بحران کرونا نیز به کار گرفت. تناسب تخت‌های ای‌سی‌یو با جمعیت کشور، توجه لازم به بخش‌های اورژانس، پرداخت‌های عادلانه به‌کار پزشکی و بیزاپزشکی، تأمین تخصص‌هایی مانند پزشک اورژانس یا روان‌پزشک در بیمارستان‌های جنرال همگی جزئی از فعالیت‌های زیست‌ساز هستند که استراتژی پیشگیرانه می‌توانست ارائه خدمات را به‌مراتب بهتر کند. در حوزه آموزش‌های پیشگیرانه نیز باید گفت اگر برنامه‌هایی مانند مهارت‌های زندگی که نزدیک به ۲۵ سال از عمر آن در کشور می‌گذرد، با جدیت و کیفیت آموزش داده می‌شد، شاید بخشی از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها شکل نمی‌گرفت. به شکل کلی آموزش مهارت‌های زندگی موجب می‌شود افراد از سبک زندگی لازم برخوردار شوند؛ اینکه چگونه استرس‌های خود را کنترل کنند تا سالم بمانند؛ اینکه از رژیم غذایی‌ای تبعیت کنند تا سالم بمانند؛ اینکه مبادرت به چه ورزش‌هایی کنند تا سالم بمانند و...

ادامه در صفحه ۴

شلیک از پدافند توپیتر

نبرد سیاسی با روحانی



عکس: فراداد نور

صفحه ۲

قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت از مشکلات تأمین درآمد خبر داد

واقعیت تلخ ارزش‌های نفتی

صفحه ۳

سرمقاله

کرونا، نفت، خاورمیانه

قاسم محبیلی مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه



خاورمیانه با بحران‌های زیادی روبه‌رو است؛ بحران‌هایی مزمون و حاد که باید گفت شیوع ویروس کرونا هم موجب شد، این منطقه پیرمزم و راز وضعیت‌ی خاص را تجربه کند. در واقع کرونا ساکنان خاورمیانه را به‌طور جدی تحت تأثیر خودش قرار داده است، چنانکه می‌توان به تأثیر این ویروس روی جریان‌های تندرو و افراطی منطقه اشاره کرد. آنها به این ذهنیت رسیدند که نمی‌توان منطقه را از باقی جهان جدا دانست و برای حرکت در مسیر توسعه، نباید راهی جز طی‌کردن مسیر کشورهای خارج از خاورمیانه متصور شد. در حقیقت ویروس کرونا به افراطیون منطقه ثابت کرد که فرقی ندارد انسان‌ها به کدام جغرافیا تعلق دارند و از چه قومی هستند و به کدام دین و مذهب گرایش دارند. همچنین باید تأکید کرد که اساساً این ویروس هزینه‌ساز، تقسیم‌بندی‌های مرسوم سیاسی را به‌طور پرنرنگی تحت تأثیر قرار داد. در برخی از کشورهای عربی و سرزمین‌های اشغالی، عده‌ای قبل از مبتلاشدن به این ویروس بر این باور بودند، این بلایی است که به سراغ دشمنان آنان آمده است؛ اما بعدها حتی مذهبی‌های فلسطینی هم با چالش جدیدی روبه‌رو شدند، چنین حالتی به‌طور طبیعی آثار سویی خواهد داشت که مشخصاً می‌توان گفت ذهنیت «جدایی» و «دشمنی» بین تفکرات و نژادهای گوناگون را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نکته دیگر اما به دولت‌ها برمی‌گردد. به‌رحال بسیاری از دول خاورمیانه، دولت‌هایی ناکارآمد هستند و اصولاً توانایی مدیریت بحران را ندارند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

مدیریت نوآوری به جای توقف انتشار روزنامه‌ها

حامد طبیبی



توقف یا کاهش جدی فعالیت کسب‌وکارها، فقط یکی از پیامدهای پاندمی کووید ۱۹ است، اما مسئله اینجاست که به‌دلیل اثر دومینویی اقتصاد و معیشت بر زندگی همه مردم جهان، این تالی ناگزیر کرونا، بیش از آسیب‌های دیگر عمل کرده و نگرانی عمیق اقتصاددانان و حتی مسئولان دولت‌ها را در پی داشته است. صحبت از آن است که قرنطینه به مدتی مشخص می‌تواند زنجیره شیوع، یعنی انتقال از یک فرد مبتلا به افراد سالم را قطع کند و تعطیلی بسیاری از بازارها، به امید پایان هرچه سریع‌تر این بیماری، فعلاً تداوم دارد. اگرچه مشخص نیست چه تدبیر مدیریتی مشخصی برای آسانی که هیچ رابطه بیمه‌ای، استخدامی و مستمری‌گیری با سیستم حکمرانی ندارند، به کار بسته خواهد شد و معیشت به‌خاطر افتاده روزمردها، در کجای پازل تصمیم‌گیری قرار خواهد داشت. با این حال، برخی مشاغل برای مواجهه با کرونا نقشی محوری دارند که یکی از آنها رسانه است؛ حرفه‌ای که در جنگ و صلح، شادی و غم، فراگیری بیماری با غلبه بر آن و امروز در پرکردن ساعات مردم خانه‌نشین سراسر جهان، یکه‌تاز است. هدف نگارنده در این یادداشت پرداختن به ابعاد حرفه‌ای کار رسانه‌نشین است. استادن این حوزه و روزنامه‌نگاران در رسانه‌های رسمی یا حساب‌های کاربری خود، دربارۀ آن گفته و نوشته‌اند. خبر عجیب تصمیم کمیته اطلاع‌رسانی و مدیریت جو روانی ستاد ملی مقابله با کرونا و معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد مبنی بر توقف انتشار نسخه کانگذی نشریات تا پایان اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، روند طبیعی اطلاع‌رسانی حرفه‌ای و مستقل در این روزهای سرنوشت‌ساز را حتماً به خطر خواهد انداخت. فارغ از جنبه‌های رسانه‌ای این تصمیم، پاک‌کردن صورت مسئله و مشارکت‌ندادن ذی‌نفعان این حوزه برای یافتن راه‌حل، سؤال‌برانگیز و در تداوم تصمیمات اشتباه متولیان ستاد مذکور، قابل ارزیابی است. مدعای این ستاد اما عجیب‌تر است: انتشار مطبوعات و نشریات کانگذی مستلزم فعالیت مجموعه‌ای از افراد از خبرنگاران تا فعالان صنعت چاپ و توزیع خواهد بود و این روند ممکن است به‌صورت بالقوه به شیوع بیشتر بیماری منجر شود.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

بحران کرونا و تأثیر آن بر امنیت غذایی

آن منجر می‌شود. ۳- در بلندمدت نیز می‌تواند نیروی انسانی شاغل و شبکه تأمین نهاده‌های تولید مواد غذایی و مزارع را با مشکل تولید مواجه می‌کند که نظم موجود در فرایند عرضه مواد غذایی را دچار اختلال جدی می‌کند و قیمت‌ها را به‌شدت افزایش خواهد داد. ۴- رکود اقتصادی در بلندمدت موجب کاهش ارزش ارز ملی و ایجاد تورم خواهد شد و افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید و محدودیت دسترسی مردم به غذا را در پی خواهد داشت.

البته بحران امنیت غذایی همیشه با ازدست‌دادن کار و قدرت خرید و دسترسی به غذا آغاز می‌شود، اما عموماً در این سطح باقی نمی‌ماند و در نهایت منجر به بی‌نظمی اجتماعی، ناراضیاتی و اعتراض شهروندان می‌شود و امنیت سیاسی را نیز به مخاطره می‌اندازد. و به سؤوتنجه فقر مزمن غذایی طولانی‌مدت یک جامعه می‌تواند، تجربه دردناک بسیاری از کشورهای فقیر و درحال‌توسعه و به‌ویژه مردم و وضعیت کشورها پس از بحران‌های مختلف، نشان‌دهنده عمق و وسعت تأثیر بحران‌ها بر امنیت غذایی و انسانی است.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

فردای کرونا

این ایام صرف تأمل به داشته‌های مان کنیم. در واقع یکی از راه‌های مدیریت استرس، تمرکز بر دارایی‌ها و همچنین تغییر سبک زندگی است. تحقیقات نشان می‌دهد که اگر کرونا تا یک سال دیگر میهمان این سیاره باشد، شاهد تغییراتی شگرف خواهیم بود؛ کرونا فرهنگ مرادفات و تعاملات اجتماعی را تغییر می‌دهد، جمع‌های دوستانه کوچک‌تر می‌شود، حضور و فیزیک افراد جای خود را به تصاویر دیجیتال و مجازی می‌دهد، دلتنگی‌ها بیشتر می‌شود و آهسته‌آهسته این سبک‌ها و دنیای اینترنت، جای خالی افراد و عزیزان مان را پر خواهد کرد و این ویروس یادآور می‌شود که نفس‌کشیدن چقدر ارزشمند و گران‌بهاست. شاید انسان پس از کرونا باید بیش از هر چیز قدران چیزهایی باشد که از قبل داشته؛ ولی آنها را زود فراموش نکند. کرونا به طرز شگفت‌انگیزی میانگین مطالعه افراد سیاره را در یک سال افزایش خواهد داد، هنر و خلاقیت فردی را به شکل درخور توجهی رشد خواهد داد. در یک سال، صنایع سنتی و هنرهای مبتنی بر فرد، یک رنسانس جدید را تجربه خواهد کرد. در بعد فردی نیز فرصتی برای قناعت، کاستن از شدت و سرعت فعالیت‌ها، کاهش انگوی مصرف، عدم اسراف

ادامه در صفحه ۲

اقتصادی کرونا در کشور چین که موج اولیه بیماری را به‌خوبی پشت سر گذاشته، هنوز برآورد نشده و تعیین آن ماه‌ها به درازا خواهد کشید. سازمان‌های بین‌المللی هم معتقدند اثرات اقتصادی کرونا متکی به عوامل تأثیرگذاری است که بسیاری از فاکتورهای آن هنوز قابل نامشخص‌بودن و پیچیدگی اثرات مقابل آن هنوز قابل درک نیست. آنها معتقدند برای درک و محاسبه این رویداد که به‌مراتب پیچیده‌تر از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی است، هنوز حتی چارچوب ادراکی و الگوی مفهومی مناسبی نیز که بتواند آن را فرموله کند، تدوین نشده است. آنچه مسلم است باید در انتظار رکود شدید اقتصادی در سطح جهانی بود که در هر کشوری بنا به شرایط و ویژگی‌های اقتصادی و میزان پیوندهای خود با اقتصاد جهانی از آن آسیب خواهد دید.

یکی از این اثرات این موج سهمگین قطعا در حوزه امنیت غذایی است که می‌تواند در کشورهای درحال‌توسعه و فقیر منجر به بحران‌های اجتماعی و بالطبع بحران‌های امنیتی شود، پدیده‌ای که در بحران ۲۰۰۸ شاهد حضور و بروز آن بودیم. بحرانی که منجر به



محمدحسین عمادی

عضو هیئت اجرایی برنامه جهانی غذا WFP در چند هفته گذشته، کرونا «جهانی شده»؛ اما دستاوردهای «فرایند جهانی‌شدن» هنوز برای مقابله با آن چاره‌ای نیافته؛ بنابراین جهان‌پایان از آینده و انتهای مسیر آن در ابهام و ترس به سر می‌برند. تمامی آمار و اطلاعاتی که در دسترس مردم جهان قرار می‌گیرد، صرفاً اسامی کشورهای آلوده به بیماری، تعداد افراد مبتلا و تلفات روزانه و منحنی رشد و افول آن را بازگو می‌کند؛ اما از پیش‌بینی و افق آینده بسیاری و تأثیرات آن کمتر کسی به دقت با صراحت سخن می‌گوید. از تأثیرات دقیق این بیماری همه در بهت و حیرت هستند؛ اما همگان متفق‌القول‌اند که موج عظیمی که شروع شده و از پایان آن خبری نیست، به‌دنبال خود سونامی خانمان‌سوزی برای بشریت در پی خواهد داشت. حتی اثرات و عواقب



مینا نظری کمال

رشد پس از بحران، مفهوم جدیدی است که به‌تازگی در حوزه روان‌شناسی بحران، توجه بسیاری را به خود جلب کرده و شامل برگشت فرد به سطح عملکرد روان‌شناختی پیشین پس از حادثه یا تغییرات مثبت نظیر قائل‌شدن ارزش بیشتر برای زندگی، بهبود روابط بین‌فردی، بهبود سطح عملکرد و عمیق‌تر شدن معنا و فلسفه زندگی است. یافته‌های متضاد درباره رشد پس از بحران در مطالعات وجود دارد و برخی مطالعات وجود این نوع رشد را تأیید و برخی دیگر گزارش می‌دهند که رشد پس از بحران واقعی نبوده و درحقیقت ناشی از نوعی توهم است. درنهایت مشخص شده دو نوع رشد پس از بحران وجود دارد که هر یک در برهه‌ای از زمان به منضم ظهور می‌رسد. بُعد اول بُعد سازنده و واقعی رشد است که پس از حوادثی مانند کرونا در برخی افراد بروز می‌کند و بُعد دوم نوعی خودفریبی بوده و در آن فرد بخش‌هایی

واقعیت را تحریف می‌کند و در واقع این واقعیت تحریف‌شده به‌مثابه ضربه‌گیری عمل کرده و با این عمل به‌مانند گونه‌امدت فرد با بحران تجربه‌شده کمک می‌شود. این بعد رشد، احساس رشد است و نمود رفتاری ندارد. با گذر زمان این احساس کاذب رشد، با بعد سازنده رشد پس از بحران جایگزین می‌شود. علاوه‌براین در مطالعات مختلف، عواملی مانند گذر زمان، سبک مقابله‌ای خوش‌بینانه، معنویت، دوره سنی میان‌سال، سخت‌رویی، داشتن عزت نفس بالا، امیدواری و وجود تجربیات حل موفقیت‌آمیز حوادث گذشته به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت رشد پس از بحران معرفی شده‌اند. از سویی هر آغازی پایانی دارد و هر آمدنی، رفتنی. این واقعیت درباره کرونا یا هر پاندمی دیگری هم صدق کرده و می‌کند. فردای این روزها دیر یا زود فرا می‌رسند و کم یا بسیار، آنها که می‌مانند و به‌ویژه آنها که در قرنطینه خودخواسته این روزهای خود را می‌گذرانند، چه سرنوشتی در انتظارشان است؟ برای آنکه حال خوب را در این روزها و پس از آن بیشتر تجربه کنیم و از استرس و بیماری‌های روانی فاصله بیشتری پیدا کنیم یا همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رشد پس از بحران داشته باشیم، لازم است زمانی در

ادامه در صفحه ۴